**پژوهشنامهٔ تمدّن ایرانی**
دانشکدهٔ ادبیّات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال سوّم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

# بررسی اشیاء مفرغی لرستان از منظر نمادشناسی
# مطالعه موردی نقش گیلگمش

**زهرا چراغی**[۱]
**رضا رضالو**[۲]
**سید مهدی حسینی نیا**[۳]
**محمد اسکندری پویا**[۴]
**محمدرضا چگینی**[۵]

## چکیده

اشیاء مفرغی لرستان از نظر نمادشناسی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: نقوش حیوانی، نقوش گیاهی، نقوش انسانی و نقوش هندسی. تصویر گیلگمش نیز در میان نمادهای مورد استفاده اشیای مفرغی لرستان نیز دیده می‌شود. این نقش به صورهای مختلف و با هنرمندی و مهارت بیشتر ترسیم گردیده است و هرکدام دارای بار معنایی و مفهومی بوده که شناخت و مطالعه این اشیاء اعتقادات و باورهای مردمان آن دوره را آشکار می‌سازد. مقاله پیش رو به روش توصیفی– تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته، در این مقاله، اشیائی انتخاب شده‌اند که تصویر آن‌ها از جهت نمادشناسی در راستای موضوع مورد مطالعه باشند. بنابراین سؤال و مساله اصلی این پژوهش بدین صورت طرح می‌گردد؛ با توجه به پیشینهٔ گفته شده در این مقاله حضور تصویر گیلگمش در آثار مفرغی لرستان، بین کاربرد نقش با فرهنگ مردم منطقه چه ارتباطی وجود دارد؟ نتایج پژوهش این گونه نشان می‌دهد که استفاده از نقش گیلگمش برگردن زنان و ارابه‌ها، بیانگر این موضوع است که مردم لرستان گیلگمش را خدا نمی‌دانستند، بلکه آن را طلسمی در برابر چشم زخم و نیروی شر می‌دانستند. مفرغ‌کاران لرستان در اشیای تزئینی و غیرتزئینی مورد استفاده خودشان از جمله در سرسنجاق‌ها و اشیاء نذری و حتی روی سلاح‌ها، نقش گیلگمش را به کار برده‌اند. رواج نقش گیلگمش برروی مفرغ‌های لرستان الهام گرفته از هنر بین‌النهرین و ایلام است و پس از ایلام در سایر نواحی لرستان نیز مورد پذیرش قرار گرفت و به مقام والایی در بین مفرغینه‌های لرستان دست یافت.

**کلیدواژگان:** گیلگمش، اشیاء مفرغی، لرستان، نمادشناسی.

---

[۱]. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی (نویسندهٔ مسئول). zahracheraghi751@gmail.com
[۲]. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی. r_rezaloo@uma.ac.ir
[۳]. مربی گروه باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی. mehdihosseyni5518@gmail.com
[۴]. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی. eskandari12196@gmail.com
[۵]. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی همدان. m.chegini1996@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۶-۲- ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۵-۱۰-۱۴۰۰

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

download date: 10/21/2024
https://www.magiran.com/p2438127

## *Investigation of Lorestan bronze objects from a symbolic perspective: A case study of the role of Gilgamesh*

***Abstract***

Lorestan bronze objects are symbolically divided into four categories: animal motifs, plant motifs, human motifs and geometric motifs. The image of Gilgamesh can also be seen among the symbols used in Lorestan bronze objects. This role has been depicted in different forms with more artistry and skill, and each of them has a semantic and conceptual burden that reveals and studies these objects and reveals the beliefs of the people of that period. The present article took a descriptive-analytical method using library resources. In this article, objects have been selected whose images are symbolically in line with the subject of study. Therefore, the main question and issue of this research was posed as follows: According to the background mentioned in this article, the presence of the image of Gilgamesh in the bronze works of Lorestan, what is the relationship between the use of the role and the culture of the people of the region? The results showed that using the role of Gilgamesh to turn women and chariots back indicates that the people of Lorestan did not consider Gilgamesh as a god, but considered it as a spell against the source of wounds and the power of evil. Lorestan bronze workers have used the role of Gilgamesh in the decorative and non-decorative objects they used, including hairpins and votive objects, and even on weapons. The role of Gilgamesh on Lorestan bronzes is inspired by the art of Mesopotamia and Ilam, and after Ilam, it was adopted in bronze objects of other areas of Lorestan.

***Keywords***: Gilgamesh, Bronze Objects, Lorestan, Symbology.

## ۱- مقدمه

آثار مفرغی لرستان اعجاب و تحسین همگان را برانگیخته است تا آنجا پیشرفت و خلق این آثار را عصـر طلایی تمدن مفرغ نام نهاده و لرستان را مهد اختراع مفرغ لقب داده‌اند. این آثار در حدود هفتاد سـال پیش به دسـت عتیقه فروشـان در کشـورهای مختلف رسـید و همین امر سبب شد تا مطالعات گسترده‌ای در نواحی غرب ایران در استان لرستان ایلام و کرمانشاه پیرامون این اشیا صورت گیرد. هم اکنون در بعضـی از موزه‌های معتبر دنیا و مجموعه خصـوصـی نمونه ارزشمندی از این آثار نگهداری شـود (منصـور زاده، ۱۳۹۷: ۸۶). در میان این آثار مفرغ‌های لرستان با برخورداری از تکنیک بالا، فرم متناسـب و طرح زیبا برجسته‌ترین نمونه‌ها را تشکیل می‌دهند (دادور و مصباح اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). مفرغ‌هـای لرسـتـان، از نفیس‌ترین و مهم‌ترین جلوه‌هـای هنر ایران به شـمار می‌روند. نقوش این مفرغینه‌ها جنبه نمادین، آئینی و اسـطوره‌ای داشـته‌اند. این نمادها متاثر از نوعی فلسـفه متکی بر طبیعت‌گرایی با پیروی از شـیوه‌ای است که به جهت ابتدایی بودن سبک هنری، اغلب به صورت تمام رخ، تک موضـوعی یا چند موضـوعی، تمثالی از انسـان، دیوان، موجودات اساطیری،سلطان جانوران و خدایان را در بر خود دارند (منصـورزاده، ۱۳۹۷: ۸۶). یکی از نقوشـی که بر روی مفرغ‌های لرستان به شکل‌های مختلف در آمده؛ نقش گیلگمش است. گیلگمش، فاتح غولان و حامی انسان و حیوان است که پس از قدرت‌نمایی در سومر، در ایلا م نیز جزء خدایان درآمده و در سایر نواحی ایران مانند لرستان پذیرفته شده است. در آثار مفرغی لرستان از هزار ۀ دوم تا هزار ۀ اول ق.م، این پهلوان با بدنی لخت و کمربندی بر کمر و کلاه شـاخ‌دار برسـر و دامن ترسـیم شـده که به رام کردن شـیر، مار، بز و دیوها مشـغول اسـت (گیلانی و فرخفر، ۱۳۹۸: ۳۷). در این پژوهش سـعی بر این شده با استفاده از مدارک تاریخی، نمادشـناسـی روی آثار شـناسایی شده با نقش گیلگمش بر روی مفرغینه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این مقاله توصـیفی- تحلیلی با رویکرد تاریخ هنری و باسـتان‌شـناسانه است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز به صورت اسناد کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی است. در روش کتابخانه‌ای با تهیه منابع دست اول، از جمله مطالعه گزارشات حفاری‌های باستان‌شناسی، مفرغینه‌های لرستان مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته‌اند.

### ۱-۱.بیان مساله

انسـان در روزگار کهن، زمانی که دلایل علمی پدیده‌ها را نمی‌دانست، برای توجیه پدیده‌ها شروع به پیوند دادن مسـائل و پدیده‌های پیرامون خود، به قدرت‌های ماوراءالطبیعه نمود و برای هر پدیده‌ای خدا یا ایزدان را قائل شـده و آن‌ها را به صورتی که خود می‌خواست تصور می‌کرد و برای بهتر زیستن و بقاء خود، خود را به این قدرت‌های فرا زمینی پیوند داد و برای یاری جسـتن از آن‌ها از مظاهر نقش آنان اسـتمداد می‌طلبید. توجیه برتر بودن این خدایان، ظاهر غیرعادی آن‌ها بود. اینجاست که تخیل و هنر هر قوم، برای تجسم بخشیدن به این نیروها قابل ارزیابی است (خسروی، ۱۳۸۸: ۷). یکی از این

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

نیروها خدایان گیلگمش می‌باشد. این نقش از کهن‌ترین حماسه‌های جهان است که به حماسه جاودانگی معروف است. گیلگمش نخستین پهلوان تراژیک جهان است. صحنه‌هایی از زندگی گیلگمش، پهلوان و حاکم اسطوره‌ای شهر اروک، که نقش مورد استفاده مفرغینه‌ها مکشوفه در لرستان است. این حماسه ترس‌ها، باورها، امیدها و غم‌های انسان باستان را به شکل داستانی آمیخته با اسطوره‌های بین‌النهرین بیان می‌کند. گیلگمش، قهرمان بزرگ اساطیر سومری–بابلی است وصف قهرمانی‌های او در منظومه‌های حماسی به همین نام برجا مانده است. از او به عنوان شاه و شکارچی، نگهدارنده گله‌ها و مغلوب کننده دیوان، حافظ زندگان و مردگان، یاد شده است. او پادشاهی معروف و قدرتمند بود که دیوارهای بزرگ شهر اُروک (ارخ) یکی از شهرهای سومر و بابل، را بنا کرد (وارنر، ۱۳۸۶، ۲۱۹). رواج نقشمایه گیلگمش برروی اشیای مفرغی لرستان تأثیر تمدن بین‌النهرین را به نمایش می‌گذارد. نقش گیلگمش به صورت‌ها و حالت‌های گوناگونی روی آثار بین‌النهرین و حتی ایلام دیده می‌شود و از حماسه گیلگمش نیز به صورت مشروح در این سرزمین‌ها و بر روی الواح آن‌ها سخن به میان آمده است. در سایر نواحی ایران، مانند لرستان، نیز پذیرفته شد و مقام ممتاز خود را حفظ نموده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۷۱). هنرمندان لرستان در اشیائی که نقش آن را به گیلگمش نسبت می‌دهند، اغلب به این نکته توجه داشته‌اند که او را با قدرت و هیبت نشان دهند. گیلگمش موجودی بود که بر هر چیز دانایی داشت و پادشاهی بود که همه سرزمین‌های گیتی را می‌شناخت، به ژرفای رمزها پی‌می‌برد و رازهای نهان را درمی‌یافت. آنگاه که خدایان او را آفریدند، به او شکوهمندترین تن را بخشیدند و سرآمد همه خدایان گردید. دو سوم از هستی او به شکل ایزد و یک سوم به شکل مرد آفریده شد (منصور زاده، ۱۳۹۷: ۹۲). نقش گیلگمش براساس اساطیر بین‌النهرین، در هنر خاورمیانه و آسیای جنوب غربی به موجودی انسانی اطلاق می‌شود که در میان دو جانور قرار گرفته است. این نقش گاهی از حالت انسان عادی خارج شده و به صورت سلطان جانوران (گاو – مرد) نمایش داده شده است (همان: ۹۳).

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

### ۱ -۲- پیشینه پژوهش

تاکنون درباره مفرغ‌های لرستان تحقیقات متعددی در داخل و خارج کشور صورت گرفته است و در آن‌ها به صورت مختصر و جنبی پرداخته شده است. منصورپور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نقش گیلگمش بر هنر مفرغ‌کاران لرستان» به چگونگی شکل‌گیری مفرغینه‌های لرستان و تأثیر گیلگمش اسطوره بین‌النهرین می‌پردازد. ناصرپور (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع مطالعه گونه‌شناختی نقوش مفرغ‌های لرستان به ویژگی‌های بصری مشترک شامل: تعادل چه قرینه و چه غیر قرینه، دسته‌بندی متناسب اجزای گوناگون هر اثر با هم و با زمینه اثر دست یافت، طاهری و همتی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان گونه شناختی و نمادشناسی زیورهای لرستان در دوران مفرغ و آهن، به بررسی تکنیک‌های ساخت و تزئین زیورآلات لرستان و دسته‌بندی زیورآلات لرستان برپایه شکل، جنس، کارکرد و نقشمایه‌ها پرداختند. زادسر (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود تحت عنوان بررسی نقوش اساطیری مفرغی‌های چندوجهی لرستان، به تجسم نقش اسطوره‌ها در هنر مفرغ‌سازی پی‌برد. معصومی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «ساغرهای لرستان» به نقش گیلگمش بر مفرغ‌های لرستان پرداخته است.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

هدف از انجام این پژوهش بازنمایی نقش گیلگمش، برروی آثار مفرغینه‌های شناسایی شده منطقه لرستان از دیدگاه نمادشناسی است. اهمیت این تحقیق از این نگاه است که این نقش مورد توجه هنرمندان بوده و به وفور در انواع مفرغینههای لرستان به اشکال مختلف به کار رفته است. مطالعه این نقوش می‌تواند ارتباط فرهنگی مردمان با نوع نقش و فرم پیکره را روشن نماید. به همین دلیل شناسایی آن‌ها از دیدگاه نمادشناسی مدنظر بوده است. در این پژوهش سعی بر این شده با استفاده از مدارک تاریخی داده‌های کتابخانه‌ای با روش تحقیق توصیفی- تحلیلی با رویکرد تاریخ هنری و باستان‌شناسانه به بررسی نقد نقش گیلگمش پرداخته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز به صورت اسناد کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی است. در روش کتابخانه‌ای با تهیه منابع دست اول، از جمله مطالعه گزارشات حفاری‌های باستان‌شناسی، مفرغینه‌های لرستان مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته‌اند.

## ۲- مفرغ‌های لرستان

مفرغ‌های لرستان نتیجه کار صنعت گرانی است که از آنان به عنوان قوم کاسی نام برده می‌شود و به نوعی اجداد لرهای امروزی شمرده می‌شوند. از هزاره چهارم تا هزاره اول ق.م در منطقه زاگرس لرستان زندگی می‌کرده‌اند. به واسطه حفاری‌های علمی که به سرپرستی لویی واندنبرگ انجام شده، اشیاء مفرغی لرستان را به ۱۰۰۰تا ۶۵۰ ق.م نسبت می‌دهند (هوشیار،۱۳۹۹: ۶۴). لرستان که منطقه‌ای کوهستانی در شرق بین‌النهرین است و در ادوار مختلف چون کاسیان، مادها و دیگر قبایل چادرنشین در آن سکونت داشته‌اند، زادگاه صنعت رونق یابنده مفرغ‌گری بود که در سده‌های هشتم و

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

هفتم ق.م، به عالی‌ترین مراحل خود رسید (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۸۸). صنعتگران این سرزمین، انواع اشیاء قابل حمل مانند جام، کاسه، دهنه اسب و دیگر اشیاء زینتی شخصی می‌ساختند که بر روی هم «ابزارهای چادرنشینان» نامیده می‌شوند (همان: ۸۹). مفرغ‌های لرستان به خوبی ثابت می‌کنند که هنرمند ایرانی به طور کامل با شکل و فرم، فضا و حجم آشنایی داشته و از ارتباط این عناصر با هم آگاه بوده‌اند؛ چنانچه می‌بینیم که یک موتیف چگونه مراحل فرمی، شکلی و حجمی را در هنر ایران پشت سر می‌گذارد و در عین حال اصل وجودی خود را هرگز از دست نمی‌دهد (دادور و مصباح اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). آثار مفرغی لرستان آثار رمزی (سمبلیک) هستند؛ با وجود این که غالب این آثار برای رفع نیازهای روزمره ساخته می‌شد، ولی فرم‌ها نزدیک به آثار طبیعی نبوده، بلکه نشان دهنده این است که این نقوش از طبیعت و سرچشمه جوشان از تصاویر انتزاعی است. این اشیاء هنری، چنان با دقت و بر طبق اصول هنری ساخته و پرداخته شده، که گویی هدف هنرمند نیز برانگیختن حس زیبایی شناختی بوده است، گویی هنرمند در تلاش تا با ایجاد انگیزش در حس زیبایی شناختی به حس تقدس و پرستش دست یابد در واقع هنرمند حس زیبایی شناختی را مجرایی دانسته که از طریق آن می‌توان کارکردی بودن شیء تولیدی خود را به اثبات برساند (همان: ۱۵۳-۱۵۲).

اغلب آثار مفرغی لرستان از درون گورهای فردی یا جمعی به دست آمده‌اند. بیشتر این اشیاء وسایلی بودند که در مراسم و آیین‌های مذهبی و تدفینی استفاده می‌شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که روش عمده در تولید این اشیاء ریخته‌گری در کنار قالب‌گیری و چکش‌کاری بوده است. به طور کلی، همه اشیای به دست آمده، به چند دسته بزرگ قابل تفکیک هستند (دادور و مصباح اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۲۹) که شامل: ۱- سلاح و جنگ‌افزارها ۲- قطعات زین و برگ لگام اسب ۳- اشیاء و لوازم مذهبی ۴- اشیاء تشریفاتی و نذری ۵- زیورآلات.

## ۱-۲-سلاح و جنگ‌افزارها

کاسی‌ها بی‌شک مردمی جنگجو بودند و به تعداد زیادی در قبور آن‌ها خنجر، تبر (تصویر ۱) و پیکان دیده شده است به گونه‌ای که در هیچ نقطه‌ای از فلات ایران و حتی بین‌النهرین به اندازه لرستان و کردستان سلاح‌های جنگی به دست نیامده است. زمانی که کاسی‌ها وارد لرستان شدند اسلحه مهم آن‌ها خنجر بوده است (کریمی،۱۳۵۵: ۳۵۸). همچنین انواع تبرهای به دست آمده به صورت یک طرفه و دو طرفه که بر روی بعضی از آن‌ها نقوش انسان و حیوانات دیده می‌شود. در

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

بسـیاری از این تبرها اسـتفاده کاربردی از آن‌ها غیرممکن بوده و اغلب آن‌ها را در آئین سـوگواری به کار می‌برده‌اند (دادور و مصباح اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

تصویر۱–سرتبر مفرغی (معصومی، ۱۳۹۵: ۲۸۳).

## ۲-۲-قطعات زین و برگ لگام اسب

هنر لرسـتان هنر سوارکاری و گله‌داری است که پیوسته در کوچ به سر می‌برده‌اند. به همین دلیل اسـت که تنها اشـیاء کوچک حمل شـدنی همانند: اسـلحه، حلقه‌ی زین و یراق، دهنه و ظروف را در برمی‌گیرد (خسـروی و طاهری،۱۳۹۷: ۷۱)، بر روی اکثر دهنه‌های مفرغین لرسـتان تزئینات بسـیار زیبایی نقش بسـته اسـت. که بعضی از آن‌ها شاهکارهایی صنعتی به شمار می‌روند و نمونه‌های بسیار ارزنده‌ای از آن‌ها در موزه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شوند. مردمان این سرزمین دیرینه، مردگان را با ابزارهای مفرغی دفن می‌کردند، از این جهت انواع بسـیاری از دهنه اسـب در گورهای لرسـتان به دسـت آمده اسـت (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۹۶). لگام اسب، که به موضوعات مختلفی تزئین شده و بیشتر جنبه تشـریفاتی داشـته اسـت. این موضوع‌ها شامل نقش حیواناتی مانند اسب‌ها (تصویر ۲)، بزکوهی، حیوانات افسانه‌ای و مصنوعی از قبیل بزکوهی بال‌دار و گیلگمش قهرمان که در حال نزاع با حیوانات وحشـی اسـت. این لگام‌ها دارای نقوش خیالی، نماد گونه و اسـاطیری بودند و به نسـبت سایر آثار به دست آمده در این منطقه از طبیعت‌گرایی کمتری برخوردار هستند (خسروی و طاهری،۱۳۹۷: ۷۱).

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

تصویر۲- لگام مفرغی گیلگمش ایستاده سوار بر قوچ (گنجینه موزه قلعه فلک الافلاک).

### ۳-۲- اشیاء و لوازم مذهبی

جام‌های کوچک فلزی با تزئینات و مجالس پذیرایی، یا حیوانات افسانه‌ای در کنار ظرفی که از آن آب بیرون می‌جهد، شکارچیان در حال شکار کردن بزکوهی و شیرهای بالدار و موجودات عجیب و غریب همه‌ی این اشیاء از قبرستان‌های مجزا به دست آمده (تصویر۳) (لوئی وندن برگ، ۱۳۸۷:۹ ۹۱) که هر کدام از نقطه‌ای از کوهستان شمالی لرستان از جمله مناطق هرسین و خرم آباد و الشتر بوده است. نمی‌توان به طور دقیق گفت که وضع این قبرها چه بوده زیرا هیچ یک از آن‌ها طبق اصول علمی کاوش نشده و تمام اشیائی که از این قبرها به دست آمده نتیجه کاوش‌های قاچاقچیان بوده است (همان ۹۲).

download date: 10/21/2024
https://www.magiran.com/p2438127

تصویر۳- نقش گیلگمش برروی اشیاء نذری (گنجینه قلعه فلک الافلاک).

### ۴-۲-اشیاء تشریفاتی و نذری

اشـیاء فلزی نذری نمودار اعتقادات مذهبی کاسـیان بوده است، هر یک از این اشیاء از یک هیکل انسانی شکل ساخته بودند که ظاهری استوانه‌ایی دارند (کالیکام، ۱۳۸۵: ۱۵)، مانند مجسمه‌های بسیار کوچک بزکوهی و اسب و پرندگان یا طلسم به صورت بُت‌های کوچک، یا نشانه‌هایی که از دو حیوان به صورت ترکیبی ساخته شده‌اند، که در مقابل یکدیگر در میان یک میله مرکزی ایستاده‌اند (تصویر۴)، میله‌هایی بزرگ که گاهی سر آن‌ها به صورت لوحه‌های دایره شکل است و این نوع سنجاق‌ها یا میله ها در سـرخ‌دم زیاد پیدا شـده اسـت (لوئی وندن برگ، ۱۳۸۷: ۹۱). گاهی گیلگمش با دو دسـت خود گردن آن‌ها را گرفته و انگار این حیوانات را بالای سـر خود میبرد و در بعضـی مواقع حیوانات وجود ندارند و فقط خودش با ریش و گاهی بدون ریش و دو یا چهار شـاخ که علامت خدائی اوسـت تصویر شده است. در دوره‌های مختلف در تصویر این بت‌ها تغییرات بسیاری به وجود آمد و به تدریج از حالت طبیعی خارج شـدند. این بت‌ها معمولا روی پایه‌ای قرار دارند که به شـکل فنجان برگشته است بدون شـک آن‌ها را در معابد و قبرها برای هدیه به خدایان قرار می‌داده‌اند (کریمی، ۱۳۵۵: ۳۶۰). علمها را به شـکل حیوانات گوناگون می‌توان مشاهده نمود. انواع حیوانات از رئالیستی‌ترین تا تخیلی‌ترین آن‌ها در ساخت این علم‌ها به کار گرفته شده‌اند. روش معمول قرار دادن دو حیوان از یک نوع روبه روی هم و اتصـال آن‌ها به هم از طریق یک حلقه فلزی پایه‌دار بوده اسـت. در مواردی این حلقه فلزی با یک پایه یا سـر گلدار که درخت به نظر می‌رسـد و یا یک نقش باسـتانی که همان ارباب حیوانات اسـت جایگذین شـده است. عمده‌ترین حیوانات نقش شده عبارت‌اند از: اسب، بز، گوزن و گربه وحشی است (دادور و مصباح اردکانی،۱۳۸۶: ۱۳۰).

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

تصویر ۴- اشیاء نذری به شکل دو بز روبه‌روی یکدیگر (گنجینه موزه قلعه فلک الافلاک).

## ۲-۵-زیورآلات

فلزات و سنگ‌های قیمتی از گذشته در دست هنرمندان به شکل‌های تزئینی و هنری درآمده است؛ تا به عنوان زیور شخصی در راه نمایش مقام و موقعیت اجتماعی و یا در جهت درمان جسم و روح در مراسم آئینی به کار برده می‌شود. انسان‌های نخستین، انواع صدف‌ها را با الیاف نباتی رشته کرده و به گردنشان می‌آویختند. آنان قاب مهره‌های استخوانی و گوش‌ماهی را با مختصر تغییری، به صورت زیورآلات در آورده و مورد استفاده قرار می‌دادند (ریاضی، ۱۳۷۵: ۱۴). با ترک کوچ‌نشینی در دوره نوسنگی و گذار از مرحله شکار به مرحله کشاورزی و کشف آتش و چرخ، انسان به مرحله صنعت سوق داده شد و با ذوب فلزات می‌توانست اشیای گوناگونی بسازد که مجموع این عوامل در ادوار مختلف باعث دگرگونی در شکل و جنس زیورآلات گردید (یاقوتی و دادور، ۱۳۹۶: ۹۹). زیورآلات ساخته شده در عصرآهن شامل: سنجاق‌های بزرگ تزیینی که سر آن‌ها شبیه به سر حیوان یا تمام بدن حیوان است (تصویر۵)، کمربند آراسته به مجالس شکار، یا موضوع‌های مذهبی، قلاب، دستبندها، و گردنبندها و سینه بندها و آینه‌های دسته‌دار می‌شود (لوئی وندن برگ، ۱۳۸۷: ۹۱).

download date: 10/21/2024
https://www.magiran.com/p2438127

تصویر۵- سرسنجاق مفرغی با نقش گیلگمش (گنجینه موزه قلعه فلک الافلاک).

## ۳- اشیاء مفرغی لرستان از منظر قوم باستان‌شناختی و نمادشناسی

باستان‌شناسان علاقه زیادی به تجربه و آزمایش دارند تا در نتیجه‌ی آن بتوانند شرایط انسانی را مورد مطالعه قرار دهند. موضوعی که باید بحث و نتیجه‌گیری آن در راستای هدف اصلی باشد؛ چون در آینده، برای ارائه راهکار بهتر برای انجام آزمایش مفید خواهد بود (Outrom, 2005: 109). آزمایش قوم باستان‌شناسی، مشاهده انسان شناسانه با رویکرد فهم چگونگی فرآیند ساخت و ساز مواد، دورریز و شکل‌گیری محوطه‌ها می‌باشد که بین داده‌های باستان‌شناسی و تفاسیر امروزی ارتباط برقرار می‌کند (رضایی و سعادت‌مهر، ۱۳۹۷: ۲۱۴). اصطلاح قوم باستان شناسی برای نخستین بار توسط جی (Jea) و فیوکس (Fuex) در سال ۱۹۰۰ میلادی در مطالعاتش در پورالوارهای سرخ پوستان آمریکا به کار برده شد، اما تا سال‌های ۱۹۷۰میلادی مورد توجه قرار نگرفت. در تحول رشته قوم باستان‌شناسی، باستان‌شناسان نظریه‌های انسان شناختی را که در پیوند با مطالعه الگوی زندگی مردم ابتدایی تحول یافته و به کار گرفته شده است. این گونه وام گیری و تعدیل در باستان‌شناسی خیلی رایج است. به همین دلیل است که بین باستان‌شناسان در جهت انتساب این علم به یکی از علوم شامل هنر، جغرافیا، انسان‌شناسی، تاریخ و یا به عنوان یک علم مستقل بحث‌های زیادی شده است. البته امروزه باستان‌شناسی به عنوان رشته‌ای کاملاً مستقل مطرح گردیده، اما ارتباط آن با سایر علوم، همانند: فیزیک، شیمی، جغرافیا، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافیا و جامعه‌شناسی آن را به عنوان رشته‌ایی مطرح ساخته که در خدمت توسعه کشور است. قوم باستان‌شناسی یکی از مهم‌ترین تخصص‌هایی است که توانایی بازسازی رفتارهای گذشته انسان را دارد. برای نمونه، اگر قبول کنیم که در جوامع گردآورنده غذا و شکار امروزی به چه شکل درون کلبه‌ها و محل زیست، غذا تهیه می‌شود و یا فعالیت‌های گوناگون از جمله حصیربافی، بافندگی، نگهداری آذوقه و پخت و پز در جوامع سنتی و روستایی چه الگوی فضایی و درون ریزهای جنبی دارد، می‌توانیم مدارک باستان‌شناختی را با

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

استفاده از این گونه داده‌ها تفسیر کنیم. این رویکرد در باستان‌شناسی سپس در تئوری میانجی تحول یافت (مرتضوی و فلاح، ۱۳۸۸: ۷۲).

نماد کلمه یا شکلی است که معنایی فراتر یا غیر از آن لفظ و شکل را به مخاطب القا می‌کند. نماد در لغت به معنای ظاهرشدن، نمایان گردیدن، اظهار و وانمودکردن آمده است. در کتاب بلاغت تصویر در باره نماد این گونه بیان شده «نماد بیانگر کلیات و مفاهیم بزرگ به وسیله موضوعات جزئی است، اما این موضوعات و تصاویر جزئی چنان زنده و جاندار هستند که ذهن را تسخیر می‌کنند. نماد بهترین تصویر ممکن برای تجسم امور نسبتاً ناشناخته‌ای است که نمی‌توان آن‌ها را به شیوه روشن‌تر نشان داد (رسمی، ۱۳۹۱: ۳۶). نمادها تجلی ایده و حقایق ارزش‌های مطلق انسانی یک دوره یا یک قوم از جوامع بشری می‌باشند (هوشیار، ۱۳۹۹: ۶۷). در حقیقت انسان در هیچ مرحله‌ای از توسعه تمدن، قادر نبوده است خود را از نمادها جدا سازد. علوم و تکنولوژی انسان را از وابستگی به نمادها رها نکرده است. در حقیقت می‌توان گفت نیاز انسان به نمادها و اسطوره‌ها نیز فزون‌تر گشته است نمادشناسی امروزه خود یک علم است و این اثر یک ابزار اساسی در مطالعه آن به شمار می‌رود. در واقع می‌خواهند منبعی باشند برای نمادشناسی و روشمند کردن و تعریف اصولی هر نماد. نمادها در سراسر جهان همواره ابزاری برای بیان و ارتباط چیزهای مهم و مورد استفاده بوده است. نمادپردازی اشکال گوناگونی را به خود می‌گیرد، نمادپردازی و آشنایی با آن ما را به آنچه که از آن آگاهی نداشتیم واقف می‌سازد (جان کورتیس،۱۳۷۹: ۱۱۵). نماد و آنچه به صورت نمادین نمایش داده می‌شود از معقوله‌ای منحصراً عقلانی و به دور از احساسات عاطفی است (ستاری، ۱۳۷۴: ۱۳). نمادشناسی جزو کهن‌ترین روش‌های بیان مفاهیم محسوب می‌شود. به صورتی که انسان بدوی غایات مطلوب خود را در قالب نماد بیان کرده و می‌کوشید از طریق علائم نمادین (حیوانی، گیاهی، انسانی، تلفیقی) با همنوعان خود ارتباط برقرار کند. اما در چگونگی نمادشناسی دو روش عمده معرفی می شود:

### ۱-۳- واقع گرایی

روشی که هنرمند با توجه به میزان ادراک و تصور خود از موضوع، آن را به برخی از جلوه‌های طبیعی نزدیک، می‌کند: در نتیجه در صدد انتخاب نقشی برمی‌آید که برای انسان شناخته شده و از طبیعت الهام گرفته گرفته شده است (کفشچیان مقدم و یاحقی،۱۳۹۰: ۶۶).

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

### ۲-۳- انتزاعی

در این روش، هنرمند با توجه به نوع برداشت خود از موضوع، جهان‌بینی و ویژگی‌های زمانی و مکانی، در پی خلق و ابداع عنصر نمادین است. در این روش هنرمند، سعی در شناخت هرچه بیشتر و دقیق‌تر ویژگی‌ها و جنبه‌های موضوع دارد تا به این روش عناصر، تا حد امکان بتوانند پاسخگوی ذهن و احساس هنرمند و مخاطب از موضوع باشند. این گونه است که عناصر نمادین رشد کرده و پرورش می‌یابند. در حقیقت در هر اثر تجسمی، هنرمند نحوه نگرش خود را به موضوعی خاص به تصویر می‌کشد و مجموعه پیام‌های تصویری، باعث ایجاد ارتباط بصری می‌شوند. در حوزه هنرهای نمادین این تصویر صرفا تقلیدی ناب از موضوعی طبیعی نیست، بلکه لحظه‌ایی برگزیده از جهان است که در محدوده عناصر نمادین در قالبی نمادین ارائه شده و تفکری فراتر در پس آن پنهان است و مخاطب به سهم ادراک، فرهنگ و دانش خود با اثر ارتباط برقرار می‌کند (همان).

## ۴- نمادشناسی نقش گیلگمش

گیلگمش نماد، نگهبان گله‌ها، رمه‌ها (میرزایی رشنو و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴) و او ، قهرمان بزرگ اساطیر سومری- بابلی است. وصف قهرمانی‌های او در منظومه‌ای حماسی به همین نام برجا مانده است که اولین منظومه اسطوره‌ای جهان به شمار می‌رود (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۹۱). رواج نقش گیلگمش بر روی مفرغینه‌های لرستان برگرفته از هنر بین‌النهرین است. تصویر گیلگمش به صورت‌های گوناگونی در آثار بین‌النهرین و عیلام دیده می‌شود. پس از قدرت گرفتن نهایی در سومر، در عیلام نیز جزو خدایان به محسوب گشته و در سایر نواحی ایران همچون لرستان نیز پذیرفته شده است و مقام ممتاز خود را کرده است (همتی پور گشتی، ۱۳۹۱: ۶۶). گیلگمش، مرد نیرومند، شاه و شکارچی افسانه‌ایی، قهرمان و نگهدارنده گله‌ها و مغلوب کننده دیوان سپس نگهدارنده زندگان و مردگان مدت زیادی مورد ستایش مردم مراتع مرتفع بوده است.

با توجه به این که در قبور یافته شده از فرهنگ کاسی‌ها تصویر گیلگمش بر گردن زنان، برفرمان ارابه‌ها، دسته دشنه‌ها نزد زندگان و درون گورها می‌یابیم؛ پس می‌توان این گونه گفت که او خدای آن‌ها نبوده که او را ستایش کنند. بلکه طلسمی بود در برابر بیماری‌ها و چشم زخم (گدار، ۱۳۷۷: ۲۶). البته این گفته گدار با توجه به آثار مفرغی یافته شده در لرستان همیشه واقعیت نداشته، چرا که گیلگمش را می‌توان قهرمان و خدای مورد ستایش ایلامیان و کاسی‌ها هم قلمداد کرد. کاسی‌ها به عنوان خالقان این آثار، بسیاری از عقاید و باورهایشان تحت تأثیر فرهنگ بین‌النهرینی بوده و از آن تقلید می‌کرده‌اند. گیلگمش فاتح غولان و حامی انسان و حیوان بوده است که پس از قدرت گرفتن نهایی در سومر، در ایلام و نیز لرستان جزو خدایان درآمد و مقام ممتاز خود را حفظ کرده است. گیلگمش حامی حیوانات و گله‌های بز و گوسفند بوده و چون بیشتر مردم لرستان گله‌دار بودند، به این رب‌النوع علاقه بسیاری پیدا کردند و با بومی کردن و دخل و تصرف در آن، شکلی متفاوت بدان بخشیدند. مطالعه اشیاء سرخدم لرستان، از رابطه نزدیک کاسی‌ها و آشوریان پرده برمی‌دارد. مطالعه آثاری مانند حمایت گیلگمش از حیواناتی مانند بزکوهی و شیر که گاهی شاخ یا گردن آن‌ها

download date: 10/21/2024
https://www.magiran.com/p2438127

گرفته یا در حال بالا رفتن از شـانه‌ها یا به تصـویر در آوردن خود گیلگمش در هیبت حیوانات، نشـان می‌دهد که این اقوام آن خدا را به عنوان حامی گله‌ها پذیرفته‌اند (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۹۸).

هنرمندان لرستان در اشیائی که نقوش گیلگمش نسبت می‌دهند، اکثراً به این نکته توجه داشته‌اند که او را با قدرت و هیبت نشـان دهند. گیلمگش به یک بیان کسـی است که همه چیز را دیده است. گیلگمش موجودی بود کـه بـه هر چیز دانایی داشـــت و پادشـــاهی بود که ســـرزمین‌های جهان را می‌شـناخت، به ژرفای رمزها پی می‌برد و رازهای پنهان را در می‌یافت (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۹۱). اقوام کاسی بسیاری از عقاید و باورهایشان تحت تأثیر فرهنگ بین‌النهرینی بودند و از آن‌ها تقلید می‌کردند؛ چنـان‌که این قهرمان اســطوره‌ای را نیز همچون خدای خود پذیرفتند (همان ۹۳). گیلگمش به یک تعبیر، کســی است که سرچشــمه جاودانگی را کشف کرده و به تعبیر دیگر، کسی است که همه چیز را دیده است. گیلگمش موجودی بـــود که بر هر چیز دانایی داشـــت و پادشـــاهی بـــود که همه سـرزمین‌های گیتی را می‌شـــــناخت. زمانی که خدایان او را آفریدند، به او شـکوهمندترین تن را بخشیدند و سرآمد همه خدایان گردید. در حماسه گیلگمش آمده اســـت که او پسر ایزدبانوی «نین سون» اســت که شوهرش پادشــاهی به نام «لوگل بنده» بوده است، اما فهرست پادشاهان سومری حاکی از آن اســـت که پدر او یکی از کاهنان بلندمرتبه «کول الب» بوده است. معروف‌ترین کار او ساختن دیوارهای اطراف شهر اُروک بوده، که یکی از فرمانروایان بعدی شهر به نام «انام» آن را تأیید کرده اســـت (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۶۳). از میان ســـرکردگان شهرهای کوچک سومر، بی‌گمان گیلگمش از نظر دلاوری و کامیابی و مجاهدت، شـــاخص‌تر از همگان بود. همان‌طور که در مورد تأثیر هنر بین‌النهرین بر هنر مفرغی لرستان گفته شد؛ گیلگمش از خدایانی است که در لرستان بیشتر از همه مورد پرستش قرار گرفته و در بین‌النهرین از نیمه خدایان بوده اســـت. او حامی حیوانات و گله‌های بز و گوســـفند اســـت و چون بیشتر مردم لرســتان گله‌دار بودند به این رب النوع علاقه زیادی داشــتند (دادور و مبینی، ۱۳۸۸: ۱۵). در اکثر مفرغ‌های لرستان این خدا در حالی نقش گردیده که در حال محافظت و یا گرفتن شاخ حیوانات به خصوص بز است.

## ۵- نقش گیلگمش بر مفرغ‌های لرستان

گیلگمش پنجمین پادشاه نخستین سلسله فرمانروایان اوروک بود که ۳۰۰ سال بر اریکه قدرت نشـست او دو نیمه خدا و یک نیمه انسان بود (کرمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۴). قهرمان بزرگ اساطیر

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

سومری- بابلی است. وصف قهرمانی‌های او در منظومه‌ای حماسی به همین نام برجای مانده است که اولین منظومه اسـطوره‌ای جهان به شمار می‌رود و در بیان اعمال مخاطره آمیز، کمتر از اُدیسه نیست. او را به عنوان شـاه و شکارچی، نگهدارنده گله‌ها و مغلوب کننده (منصورزاده،۱۳۹۷: ۹۱) دیوان، حافظ زندگان و مردگان یاد شـده اسـت. او پادشـاهی معروف و قدرتمند بود که دیوارهای شـهر اُروک (ارخ) یکی از شهرهای سومر و بابل، را بنا کرد. رواج نقشمایه گیلگمش بر روی اشیای مفرغی لرستان تاثیر تمدن بین‌النهرین را به نمایش می‌گذارد. نقش گیلگمش به صورت‌ها و حالت‌های گوناگونی روی آثار بین‌النهرین و حتی عیلام دیده می‌شـود و از جمله حماسـه گیلگمش نیز به صـورت مشـروح در این سـرزمین‌ها و بر روی الواح آن‌ها سـخن به میان آمده اسـت. گیلگمش فاتح غولان و حامی انسـان و حیوان است که بعد از قدرت گرفتن نهایی در سومر، در عیلام نیز جزو خدایان درآمد و در سایر نواحی مانند لرستان، نیز پذیرفته شد و مقام ممتاز خود را حفظ نمود. در (تصویر ۶) نقش برجسته گیلگمش را در مقام حامی حیوانات نشـان می‌دهد در حالی که شـیری در دست چپ و ماری در دست راست دارد (همان: ۹۲).

تصویر۶-نقش برجسته گیلگمش در مقام حامی حیوانات این اثر از یک نقش برجسته آشوری از دورو شوروکین به دست آمده و در موزه لوور نگه داری می‌شود (گالری عناویان)

هنرمندان لرستان در اشیائی که نقوش آن را به گیلگمش نسبت می‌دهند، اکثراً به این نکته توجه داشـته‌اند که او را با قدرت و هیبت نشان دهند. شخصیت و کارهای برجسته‌ی او در یکی از شعرهای بزرگ ادبیات بابلی بیان شـده اسـت. گیلگمش به یک تعبیر کسـی اسـت که سـرچشمه جاودانگی را کشـف کرد و به تعبیر دیگر، کسـی است که همه چیز را دیده است. گیلگمش موجودی بود که بر هر چیز دانایی داشت و پادشاهی بود که همه سرزمین‌های گیتی را می‌شناخت، به ژرفای رمزها پی می‌برد و رازهای نهان در درمی‌یافت. زمانی که خدایان او را آفریدند، به او شـکوهمندترین تن را بخشـیدند و سرآمد همه خدایان گردید (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۶۳). اساس دین کاسی بر اعتقاد خدای بزرگ بوده است که بر همه موجودات آسـمانی و فصـول چهارگانه و همه امور زندگی حکمرانی داشـت. این قدرت آسـمانی و خدای بزرگ یکی از صـورت‌هایی را که می‌پذیرفت صورت انسان و گاهی صورت انسان با

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

بعضی از اجزاء صورت‌های حیوانات آمیخته بود که نقش گیلگمش را هم در بر می‌گرفت. نقش خدای بزرگ گیلگمش را در روی بیشتر اشیاء مفرغی به ویژه بت‌ها طلسم‌ها می‌بینیم که بر شیرها نماینده خورشید یا جانوران شاخدار نماینده ماه حکومت می‌کند (معصومی، ۱۳۸۴: ۲۵). گیلگمش یا هرکول شرق با قدرت افسانه‌ای خود همواره در حال نبرد با هیولاهای مختلف و دفاع از جنگ مقدس است و در مواقع ضروری از دوست خود انکیدو یاری می‌طلبد. اقوام ساکن در خاورمیانه هر یک به نحوی این اسطوره سومری را پذیرفتند و متناسب با ذوق، سلیقه و آداب و رسوم و هنر خود در آن تغییراتی دادند. افسانه (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۹۳) گیلگمش یکی از دلپذیرترین و قدیمی‌ترین داستان‌ها در دل کوهستان‌های لرستان و کردستان است که هنوز هم در ادبیات شفاهی لرها از هزاران سال پیش تا کنون باقی مانده است (همان: ۹۴). برخی از تصاویر روی اشیاء مفرغی، برداشتی از هنر آشوری است. این مطلب با بررسی هدایای تقدیمی به معابد، از جمله معبد آشوری سرخ‌دم کوهدشت، مشخص می‌شود. اشمیت (Schmidt) نیز با چنین نظری موافق است. به هر صورت، روی مهرهای گرد و مهرهای غلطان استوانه‌ای، تصاویر خدای بزرگ و الهه بزرگ و بیش از همه تصاویر قهرمانان بین‌النهرین، به ویژه گیلگمش، مرد نیرومند و نگهدارنده گله‌ها و مغلوب کننده دیوها را نقش کرده‌اند. تصویر گیلگمش بر گردن زنان، فرمان ارابه‌ها و *دسته دشنه*‌ها، نزد زندگان و درون گورها یافت شده و نشان می‌دهد که او را خدا نمی‌دانسته‌اند، بلکه طلسمی بوده در برابر بیماری‌ها و چشم زخم‌ها که ارزش نگهدارندگی داشته است. مردان را با سلاح و دهنه اسبشان و زنان را با زیورآلاتشان به خاک می‌سپردند. این احتمالاً به دلیل اعتقاد زندگی پس از مرگ، یا به این سبب بوده که عقیده داشتند استفاده از اشیاء کسانی که می‌میرند، از نظر مذهبی حرام بوده است (همتی‌پور گشتی، ۱۳۹۱ :۴۵). به اعتقاد گیرشمن هنر لرستان پر از نشانه‌ها و سمبل‌های سحرانگیز است که در آن قوای مرموز طبیعت با هم در نبرداند (دادور و مصباح اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

صحنه‌های مختلفی که بر روی آثار مفرغی لرستان، همچون لگام اسب، پلاک‌ها سرسنجاق‌های مفرغی، نوارهای مفرغی و بت‌ها نقش بسته‌اند در چهار دسته طبقه‌بندی شده که شامل: صحنه‌های جنگ و نبرد با حیواناتی مانند شیر، مار و حیوانات تخیلی، صحنه‌های رام کردن حیوانات همچون بزکوهی (تصویر۷)، صحنه‌های گیلگمش را در هیأت محافظ حیواناتی از جمله گوسفندان و گاوها و حامی آن‌ها در برابر شیران نشان می‌دهد (تصویر۸)، صحنه‌هایی که گیلگمش از حالت انسان عادی خارج و به شکل‌های عجیب و غریب گاو–مرد یا با شاخ ظاهر شده است. اشمیت نیز بر همین نظر

download date: 10/21/2024
https://www.magiran.com/p2438127

اسـت. بر روی مهرهای گرد و غلتان اسـتوانه‌ای، تصـاویری از خدای بزرگ و الهه‌ی بزرگ و بیش از همه تصاویر قهرمانان بین‌النهرین، به ویژه گیلگمش مرد نیرومند و نگهدارنده گله‌ها و مغلوب کننده‌ی دیوها را نقش کرده‌اند (منصورزاده،۱۳۹۷: ۹۴).

تصویر۷- گیلگمش در نقش رام کننده بزکوهی (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۹۴).

تصویر ۸- لگام مفرغی که گیلگمش را در نقش نگهبان گله‌ها نشان می‌دهد (گنجینه موزه قلعه فلک‌الافلاک).

از آثار هنری شـاخص کاسـی‌ها، بت‌های مفرغی قابل توجه هستند که معمولاً در هیأت گیلگمش تجسـم یافته‌اند و دو حیوان، مانند بزکوهی و شیر یا مرغ‌های نوک‌دار در دو طرف آن جای گرفته‌اند و در بعضی مواقع گیلگمش با دو دست خود گردن آن‌ها را چنان گرفته است که انگار حیوانات نامبرده از روی شانه‌هایش بالا می‌روند. گاهی حیوانات در اطراف بت وجود ندارند و خود گیلگمش با ریش و دو یا چهار شـاخ که علامت خدایی اوسـت، نقش شـده اسـت. گاهی نیز پیکر گیلگمش از این مجموعه حذف و به نقش دو (همان: ۹۵) بت‌هایی که در قبور بردبال به دست آمده بیشتر از حیوانات وحشی به صـورت طبیعت‌گرایانه اسـتفاده شـده است (Overlaet,2005: 14). حیوان که روی پاهای خود

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

روبه روی یک‌دیگر ایستاده‌اند، اکتفا شده است (تصویر۹). این قهرمان سومری که فرمانروای حیوانات و فاتح نبرد با غولان اســت، نزد این قوم حشــم‌دار به محافظ و نگهدارنده مبدل شــده که اغلب با دو چهره نمایان می‌شد در حالی که با دستان خود دو غول را در دو طرفش نگه می‌داشت. تصویر قهرمانی که حیوانات وحشــی را رام می‌کند یکی از اندیشه‌های اساسی شرقی است که در هنر دوره هخامنشی به کرات مشاهده می‌شود (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۹۶).

تصویر ۹–نمونه‌ای از بت مفرغی (گالری عناویان).

شــاید بتوان این گونه بیان کرد که چون اســطوره گیلگمش از بین‌النهرین به لرستان رسوخ کرده بود، همان‌گونه که در اکثر قریب به اتفاق مفرغینه‌های لرســتان نماد گیلگمش وجود دارد، لگام اســب نیز همان طلســمی است که به گیلگمش داده شد تا در سراسر جاویدان به عمر جاودانه دست یابد. در لوح ســیزدهم چنین آمده: گیلگمش دستان خود را باز کرد لگام و دهنه‌ای از مفرغ در آن بود و نقشی بر آن حک شده بود گیلگمش چون به نقش دقت کرد و چون تصویر خود را بر روی آن دید، پس لگام و دهنه را به مادیان زد و ســوار بر آن به ســوی افق تاخت (تصــویر ۱۰) بنابراین شــاید با تأثیر از این اسطوره بوده که لگام زیر سر مردگان می‌گذاشتند تا در دنیای پس از مرگ، همچون گیلگمی به حیات جاودانه دست یابند (همان: ۹۷).

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

تصویر ۱۰- لگام مفرغی اسب (منصورزاده، ۱۳۹۷: ۹۷).

## ۶- نتیجه گیری

بیشـترین تزئیناتی که روی زیورآلات مفرغی لرسـتان به کار رفته بود شامل: نقوش حیوانی مانند؛ مـار، شـــیر، بزکوهی، گـاو، اســـب، قوچ، گیلگمش، گوزن، مرال، خروس، مرغـابی، عقاب، کرکس و ماهی.نقوش گیاهی مانند؛ درخت زندگی و درخت انار.نقوش هندسـی؛ خورشـید و ماه.نقوش انسـانی. نمادشناسی شامل دو روش واقع گرایی و انتزاعی می‌باشد. در روش واقع گرایی هنرمند سعی کرده آن چیزی را که در پیرامون خود می‌بیند و به میزان ادراک و تصـــویر خود از موضـــوع آن را به برخی از جلوه‌های طبیعی نزدیک کند. در روش انتزاعی در این روش هنرمند با توجه به نوع برداشـــت خود از موضـوع جهان‌بینی و ویژگی‌های زمانی و مکانی در پی خلق و ابداع عنصـر نمادین اسـت. انسـان در هیچ مرحله‌ای از توسـعه و تمدن قادر نبوده که خود را از نمادها جدا سـازد. اکثر آثاری که در لرسـتان ســـاخته شـــده‌اند، تقارن و انتزاعی بودن در آن‌ها راعایت شـــده اســـت برای مثال اگر نقوش روی ســرســنجاق‌ها تا ۵۰ برابر هم بزرگ‌نمایی کنیم بازهم حالت تقارن در بین نقوش دیده می‌شـود. این ویژگی سبب شده مفرغ‌های لرستان حائز اهمیت فراوانی باشد. نمادشناسی امکان آشنایی با فرهنگ و تمـدن و بـاورهای یک ملت به وجود می‌آورد. نقوشـــی که ما در اشـــیاء مفرغی لرســـتان می‌بینیم دربرگیرنده اعتقادات مردمی اسـت که این تصـاویر جادویی را سـاخته‌اند، زبان هنر مفرغ‌های لرستان، زبانی نمادین و رمزی اسـت، زبانی پر از رمز و راز، پر از کنایه که این یکی از اصـیل‌ترین خصلت‌های این گونه اشـیاء مفرغی اسـت. اگر چه گاه در این هنر از عناصر روزمره زندگی استفاده شده است ولی هیچ‌گاه هنرمند تنها در بند اشـکال و صـور نمانده و اهداف دیگری را مد نظر داشته است که درک و فهم آن، امروز پژوهشـگران بسـیاری را به تفکر و تحقیق وا داشته است. اقوام کاسی، خالقان این آثار مفرغی، در بســـیـاری از عقـایـد و باورهایشـــان تحت تأثیر فرهنگ بین‌النهرینی بوده و از آن تقلید می‌کرده‌اند. از آنجا که بیشـتر مفرغینه‌ها از قبور کاسی و قبرستان‌ها به دست آمده‌اند، می‌توان به این نتیجه رسید که هنر مفرغ‌کاران لرستان جنبه اعتقادی و دینی داشته است. به همین دلیل نزد این قوم

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

نقش گیلگمش قهرمان اساطیری بین‌النهرین، به عنصری پرستشی تبدیل شده است. گیلگمش فاتح غولان و حامی انسان و حیوان می‌باشد که پس از قدرت گرفتن نهایی در سومر، در عیلام و نیز لرستان جز خدایان درآمده و مقام ممتاز خود را حفظ کرد. گیلگمش حامی حیوانات و گله‌های بز و گوسفند بود و چون بیشتر مردم لرستان گله‌دار بودند، به رب‌النوع علاقه بسیاری پیدا کردند و با بومی کردن و دخل و تصرف در آن، شکلی متفاوت به آن بخشیدند. هنرمندان لرستان در اشیائی که نقوش آن را به گیلگمش نسبت می‌دهند، اکثراً به این نکته توجه داشته‌اند که او را با قدرت و هیبت نشان دهند. شخصیت و کارهای برجسته‌ی او در یکی از شعرهای بزرگ ادبیات بابلی بیان شده است. گیلگمش به یک تعبیر کسی است که سرچشمه جاودانگی را کشف کرد و به تعبیر دیگر، کسی است که همه چیز را دیده است. گیلگمش موجودی بود که بر هر چیز دانایی داشت و پادشاهی بود که همه سرزمین‌های گیتی را می‌شناخت، به ژرفای رمزها پی می‌برد و رازهای نهان در درمی‌یافت. زمانی که خدایان او را آفریدند، به او شکوهمندترین تن را بخشیدند و سرآمد همه خدایان گردید اشیاء مفرغی لرستان برگرفته از هنر آشوری است که این از مطالعه اشیاء سرخدم با اشیاء آشوری مشخص است. می‌توان این گونه بیان کرد که چون گیلگمش از هنر بین‌النهرین وارد هنر لرستان شده در بیشتر مفرغینه‌های لرستان نماد گیلگمش وجود دارد، لگام اسب نیز همان طلسمی است که به گیلگمش داده شد تا در سراسر جاویدان به عمر جاودانه دست یابد. در اساطیر آمده است گیلگمش دستان خود را باز کرد لگام و دهنه‌ای از مفرغ در آن بود و نقشی بر آن حک شده بود گیلگمش چون به نقش دقت کرد و چون تصویر خود را بر روی آن دید، پس لگام و دهنه را به مادیان زد و سوار بر آن به سوی افق تاخت بنابراین شاید با تأثیر از این اسطوره بوده که لگام زیر سر مردگان می‌گذاشتند تا در دنیای پس از مرگ، همچون گیلگمش به حیات جاودانه دست یابند.

## منابع

-خسروی، الهه (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی در هنر ایران و میان‌رودان، دو فصلنامه علمی- پژوهشی، شماره چهارم، ص ۸ تا ۱۰.

-خسروی، مریم؛ طاهری، علیرضا (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی نقوش براق در نگاره‌های معراج دوران اسلامی با برخی از لگام‌های مفرغی لرستان، مطالعات باستان شناسی، دوره۱۰.

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024

–دادور، ابولقاسم؛ مصباح اردکانی، نصرت الملوک (۱۳۸۶)، بررسی نظریات مطرح پیرامون منشأ مفرغ‌های لرستان، دانشگاه اصفهان– شماره ۴۸.

– دادور، ابوالقاسم؛ مبینی، مهتاب (۱۳۸۸)، جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان، انتشارات دانشگاه الزهرا.

–رسمی، عاتکه (۱۳۹۱)، نقش ایرانیان در پیدایش نماد پزشکی، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال چهارم، شماره دهم، صص۳۳تا ۶۷.

–رضایی، محمدحسین؛ سعادت‌مهر، محمدامین (۱۳۹۷)، مطالعه سال دست‌ساز روستای هولنچکان قصرقند با رویکرد قوم باستان‌شناختی، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۸، دوره هشتم. ازص ۲۱۳–۲۳۱.

–ریاضی، محمدرضا (۱۳۷۵)، فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران، تهران: دانشگاه الزهرا.

–ستاری، جلال (۱۳۷۴)، اسطوره و رمز مجموعه مقالات، انتشارات سروش.

–کالیکام، ویلیام (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها، ترجمه: گودرز اسعد بختیاری، تهران: پازینه.

–کرمی، محمدحسین؛ نحوی، اکبر؛ رضایی دشت ارژنه، محمود (۱۳۸۸)، حماسه گیلگمش در بوته نقدی نو، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان ادب و زبان فارسی، شماره ۲۶، صص ۲۳۳تا ۲۶۵.

–کریمی، بهمن (۱۳۵۵)، صنعت و تمدن کاسیت‌ها: برنز لرستان، ادبیات و زبان‌ها: گوهر.

–کفشچیان مقدم، اصغر؛ یاحقی، مریم (۱۳۹۰)، بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایران، شماره ۱۹–از صص ۶۵–۷۵.

–کورتیس، جان (۱۳۹۲)، ایران باستان به روایت موزه بریتانیا، ترجمه آذر بصیرت، ویرایش علمی پیمان متین، تهران: امیرکبیر

–گدار، آندره (۱۳۷۷)، هنر ایران، مترجم: دکتر بهروز حبیبی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گیلانی، بهزاد؛ فرخ‌فر، فرزانه (۱۳۹۸)، تحلیل تطبیقی نقش گیلگمش در آثار سنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان. فصلنامه علمی اثر، ۴۰ (۱)صص ۳۶–۵۴ .

–گیرشمن، رومن (۱۳۷۱)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنش، ترجمه: عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و پژوهشی.

– لوئی وندنبرگ (۱۳۸۷)، باستان شناسی ایران باستان، با مقدمه رمن گیرشمن، ترجمه: عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.

–مرتضوی، مهدی؛ فلاح، مهدی (۱۳۸۸)، چگونگی ریشه‌یابی نقوش و طرح‌های موجود بر فرش‌های دست‌باف براساس مطالعات قوم باستان شناسی: مطالعه موردی منطقه سیستان، گلجام، شماره ۱۴.

download date: 10/21/2024
https://www.magiran.com/p2438127

-معصـومی، غلامرضا (۱۳۹۵)، تاریخچه علم باستان‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت.

معصـومی، غلامرضـا (۱۳۸۴)، سـاغرهای مفرغی لرسـتان، بررسـی‌های تاریخی، شماره ۲۰ و۲۱، صص ۳۲-۲۱.

-منصـورزاده، یوسـف (۱۳۹۷)، بررسـی نقش گیلگمش بر هنر مفرغ‌کاری لرسـتان، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، شماره ۲۱، صص ۱۰۰-۸۵.

-میرزایی رشـنو، محمد؛ بیرانوند، یوسـف علی؛ سـجادی، علی (۱۳۹۸)، بررسی و تحلیل نمادهای باروری در سـرسنجاق‌های مفرغی لرستان، علوم اجتماعی: زن در فرهنگ و هنر- دوره ۱۱ ، شماره۱. صص ۶۳-۴۷.

وارنر، رکس (۱۳۸۶)، دانشنامه اساطیر جهان، مترجم: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: ناشر اسطوره.

-همتی‌پورگشـــتی، آنیتـا (۱۳۹۱)، زیورآلات گنجینه لرســـتان به روایت موزه ملی ایران، تهران: انتشارات پازینه.

-هوشـیار، آرتمیس ( ۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی و نمادشـناسـه و ارتباط بین نقوش پیراهن طلسمات دوره زندیه با نقش‌مایه‌های اشیاء مفرغی لرستان (مطالعه موردی درخت سرو)، شماره ۵۰، ۸۰-۶۱.

-یاقوتی، سـپیده؛ دادور، ابوالقاسـم. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی سیر تحول و تطور زیورآلات ایران در دوره هخامنشی و اشکانی، جلوه هنر، سال ۱۲، شماره ۴، شماره پیاپی، صص ۱۰۹-۹۷.

## References

-Overlaet, Bruno (2005) the chronology of the Iran age in the pusht- I kuh, Luristan, Ghent Universit & Royah Museums of Art and History, Brussels pp.1-30.

-Outram, A. K., (2005) Publishing Archaeological Experiments: a quick guide for the uninitiated. Department of archaeology. University of exter, uk eurorea 2/2005, Pp 107-109.

https://www.magiran.com/p2438127 download date: 10/21/2024